



بررسی انواع جلد‌های قرآنی در طول تاریخ

## دروازه‌هایی به سمت بهشت ماورایی

خدیجه احتشامی

هنرنامه‌ای برای هنرمندان داشت. هنرمندان مسلمان، از حواشی قرآن گرفته تا جلد و قاب آن، هنر خود را به خدمت گرفته و با روح و جانشان، برای این مصحف جاودانه خلاقیت به خرج دادند تا آنجا که خودشان نیز در هنرشان حل شدند؛ چنانکه حتی نامی یا نشانی از خود به یادگار نگذاشتند. آنها، این نیست شدن را با عزت و افتخار پذیرفتند تا هنرشان جاویدان شود و امروز می‌بینیم که این هنرها در موزه‌ها جلوه‌گری می‌کنند: جلوه‌ای از عشق به قرآن.

در این مقاله انواع روبه‌های ظاهری و جلد‌های قرآن و هنرهای به کار رفته در آنها را بررسی می‌کنیم.

\*\*\*\*

### جلد چرمی ساده

ساده‌ترین جلد قرآن‌ها در قرون اولیه‌ی اسلام، جلد چرمی بود که از انواع پوست حیوانات که بر روی ورقه‌ی نازک

واژه "جلد" در فرهنگ فارسی دکتر محمد معین این‌طور معنی شده است: «جلد (Jeld)، پوست (انسان یا حیوان)، اجلاد - جلود - آن چه از جنس مقوا و جز آن که متن کتاب را فراگیرد.»

جلدسازی قبل از ظهور اسلام در مصر رواج داشت و بعد از آن توسط پیروان و رهروان مانی در مناطق مختلف انتشار یافت.

قرآن، راهنمای جامع زندگی بشر است. این کتاب الهی، از همان آغازین سالهای نزول، به خاطر ارادت خاصی که مومنان به آن داشتند، جایگاه ویژه‌ای به لحاظ





چوب و یا مقوا کشیده می‌شد، تهیه می‌شدند. این جلد‌ها، تقریباً تا قرن‌های ۳ و ۴ هجری کاملاً ساده و بدون نقوش تزئینی بودند ولی از قرن ۴ هجری به بعد، اشکال هندسی بر روی آنها شکل گرفتند. گاهی داخل فرورفتگی‌های این نقوش را با رنگهای مختلف گیاهی یا معدنی و یا ورقه‌های سیم و یا زر، رنگ آمیزی کرده و نقوش را چشم‌نوازتر به بیننده عرضه می‌کردند. جلد‌های چرمی تا قرن ششم هجری قمری، به روش مصری اسلامی تهیه می‌شدند. در این مدت، نوآوری و تحول چندانی در نقوش‌های روی جلد توسط مسلمانان صورت نگرفت ولی در قرون ۶ و ۷ هجری به بعد، جلد‌ها کاملاً چهره‌ای اسلامی - ایرانی به خود گرفته و هویت نوبنیاد خود را شکل دادند.

کرده  
( ر خ  
گیری ) ،  
سپس نقشهای  
دلخواه را به وسیله  
ابزاری به نام «نقش‌بر»  
از چرم جدا کرده و بر روی  
زمینه قرار می‌دادند. زمینه  
می‌توانست چرمی با رنگ دیگر باشد یا  
اینکه همان چرم را با رنگهای سنتی گیاهی  
مانند پوست گردو، حنا، قرمز دانه، شقایق  
کوهی، پوست پیاز، روناس یا طلای ۲۴ عیار(به  
صورت پودری) و یا رنگهای معدنی مانند لاجورد، رنگ  
آمیزی می‌کردند و سپس به گونه‌ای ظریف و با دقت،  
این چرمهای رگ‌رگ بریده شده را، کنار هم می‌چسباندند  
که گویی یک تکه و یک‌سره‌اند.

### جلد ضربی

در جلد ضربی، ابتدا طرح مورد نظر روی دو قطعه ضخیم فلز فولاد یا برنج، به صورت نر و ماده، به وسیله چکش، قلم‌زنی کرده و سپس این قالب‌ها را با فشار فراوان، بر روی چرم خیس خورده گذاشته و از دو طرف زیر پرس قرار می‌دادند. (امروزه بعضی از اساتید، در این مرحله، قالبها را از زیر و روی چرم، حین پرس، مورد حرارت قرار می‌دهند). پس از انجام این مراحل، قسمتهای فرورفته را با ورق‌های طلا، نقره یا رنگهای طبیعی دیگر که اکثراً شنجرف یا لاجورد بودند، می‌پوشاندند و نقوش برجسته را به رنگ خود چرم باقی می‌گذاشتند یا بالعکس. اکثر نقوش جلد‌های چرمی ضربی، یا ترنج بودند، یا لچک و یا حاشیه. به این صورت که ترنج نقش وسط بود، لچکها در چهارگوش آن قرار می‌گرفتند و حاشیه به صورت حساب شده و با استفاده از یک قالب برای دور آن و یک قالب برای گوشه‌های آن به کار می‌رفت؛ به طوری که مجموع آن، ۲ قالب برای تمامی دور حاشیه بود. گاهی نیز ترنج در بالا و پائین به کار می‌رفت.

### جلد روغنی

این جلد به لحاظ باز بودن دست طراح برای خلق اثری ظریف و زیبا و نشان دادن توانایی‌های وی بر روی جلد، کاملاً منحصر به فرد و فوق‌العاده است. این نوع جلد، گاهی به اشتباه، جلد لاک خوانده می‌شود؛ در صورتی‌که اگر این جلد با روغن کمان یا روغن جلای امروزی جلا داده و ثابت شود، جلد روغنی و اگر با لاک الکل تکمیل شود، جلد لاک خوانده می‌شود.

### جلد سوخت

جلدهای به دست آمده از دوره‌ی مکتب هرات، قطعاً از نفیس‌ترین جلد‌های اسلامی محسوب می‌شوند. قرن نهم هجری، آغاز تکامل هنر جلدسازی ایران است که نفیس‌ترین و باارزش‌ترین جلد‌های سوخت از این دوره به یادگار مانده است.

علت نامگذاری این نوع جلد، این است که دو قالب فلزی از جنس فولاد یا برنج را، با حرارت معینی داغ کرده و چرمی را که از قبل خیس‌انده بودند، میان دو قالب نر و ماده نهاده و با ضربات چکش، نقشی تیره با فرورفتگی و برجستگی، بر روی چرم به‌وجود می‌آمد که بعد طراح می‌توانست با رنگهای معدنی و گیاهی یا زر و سیم، نقوش را از یکدیگر متمایز ساخته و به اثر خویش طراوتی خاص بخشد.

در قرن یازدهم هجری قمری، جلد‌های ضربی به تدریج جایگزین هنر سوخت شدند. نکته‌ی قابل ذکر این است که، نقوش ضربی که اکثراً با فن سوخت تهیه می‌شدند، برای روی جلد، و معرق‌ها که آسیب‌پذیرتر بودند برای داخل جلد به کار می‌رفتند.

### جلد معرق

دلیل نام‌گذاری معرق، در کتاب صحافی سنتی، به این صورت بیان شده که چون چرم‌های مختلف را به صورت رگ‌رگ کنار هم می‌چسباندند و یادآور رگها و عروق بودند، آن را معرق می‌نامیدند.

جلد معرق را قوام‌الدین تبریزی ابداع کرد و پس از او، استادان دیگر در تکمیل و نفاست این فن، تمامی هنر خود را به کار بستند؛ تا آنجا که در زمان شاه طهماسب، زیبایی این‌گونه جلد‌ها خیره‌کننده شد. در این زمان، روی جلد را ضربی طلاکوب شده و پشت آن را، معرق می‌کردند.

روش کار در این شیوه، این است که اول چرم را نازک



جلد روغنی، در صحافی سنتی، از قرن نهم و دهم هجری قمری (در اواخر دوره تیموریان) به وجود آمد. در آن زمان، جلدهای رایج و مقبول آن روزگار، جلدهای سوخت بودند که بسیار پرزحمت، زمان‌بر و پرهزینه بودند و به این دلیل، نفاست فوق‌العاده‌ای داشتند. جلدهای روغنی که در ابتدا در مقایسه با جلدهای سوخت کم‌ارزشتر و سهل‌الوصول‌تر به شمار می‌رفتند، کم‌کم در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری قمری، به کمال زیبایی و ظرافت خود رسیدند و توانستند رقیبان سرسخت و گرانقدر خود را به دلیل ظرافت، زیبایی، سرعت و تنوع بیشتر، کنار بزنند و بر جلدهای چرمی و سوخت برتری یابند.

روش ساخت این نوع جلدها چنین است که، نخست، روی مقوای صاف و ضخیم و یا احیاناً روی تخته نازکی از چوب، که روی آن را با پارچه ای نخی می‌پوشاندند، لایه‌ی نازکی از خمیر گچ و یا مخلوطی از سفیداب روی و سریشم (که این بتونه توسط استاد عیسی آلفته کار می‌شده است) و یا ترکیب پودر مل و چسب چوب می‌پوشاندند، سپس سمباده می‌زدند تا سطحی کاملاً صاف و صیقلی به دست آید. پس از آن، لایه‌ی رقیقی از روغن کمان بر روی آن می‌کشیدند و این عمل را چندین بار تکرار می‌کردند. آنگاه نقاش، سطح کار را، که قبل از روغن زدن، با رنگهای تیره‌ای مثل قرمز تیره، سبز تیره، قهوه‌ای تیره یا حتی سیاه، رنگ‌آمیزی کرده بود، بعد از واشور کردن و گرفتن چربی روغن، با گل و بته نقش‌اندازی می‌کرد. البته در بعضی از جلدها، زمینه گچ بدون رنگ آمیزی و خام، مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت که بر اثر مرور زمان و تغییر رنگ روغن کمان به نارنجی-زرد، رنگ جلد به صورت عسلی درمی‌آمد که در اصل سفید بود. بعد از مرحله‌ی نقش‌اندازی با رنگهای طبیعی، برای حفظ و نگهداری از آسیب‌هایی مانند ریختن و ترک خوردن رنگها، نفوذ حشرات، قارچها و گرد و غبار و همچنین قابل شستشو و براق و درخشان شدن، طی چندین مرحله، روغن کمان بر روی اثر کشیده می‌شد.

در مورد روغن کمان چند توضیح وجود دارد:

این روغن، در گذشته برای جلوگیری از خشک شدن کمان به کار می‌رفته و به قول خانم جولیان رابی، در کتاب جلدهای لاک، "روغن کمان ساخته شده در ایران، ارزشمندترین نوع آن در شرق به شمار می‌آید."

در تهیه‌ی آن، اندک تفاوتی را می‌توان یافت که کیفیت هرکدام را همین جزئیات تعیین می‌کند، ولی ترکیبات پایه‌ای همه‌ی آنها یکی است.



ر و غن  
کمان،  
از سندروس  
به نسبت دو و  
روغن بزرگ به نسبت  
سه، تهیه می‌شود که البته  
مقدار بیشتر روغن، رنگ آن را  
زرد و سندروس بیشتر، آن را قرمز  
می‌کند.  
نسبت دو به سه از سندروس و روغن بزرگ  
را، در دیگ چدنی بزرگی می‌جوشانند. این کار،  
به خاطر بوی زننده و تصاعد گازهای سمی، در فضای  
باز انجام می‌شود. چنانچه قاضی احمد قمی در کتاب  
گلستان هنر، در مورد ساخت روغن کمان، به نظم گفته  
است:  
ولی این کار در منزل نشاید  
مقامی دورتر از شهر باید

باید اول قطعات درشت‌تر سندروس و سپس تکه‌های ریزتر را، در روغن در حال جوش ریخته و مایع در حال جوش را با سرپوش، مدتی به حال خود رها کنند. بعد از آماده شدن روغن، غلظت آن باید آزموده شود. این کار با چکاندن یک قطره روغن در آب، انجام می‌شود؛ که اگر منعقد شد، آماده است. به لحاظ شکل ظاهری نیز، باید مانند عسل شود. سپس آن را از پارچه‌ای می‌گذرانند تا مواد خالص آن جدا شود. موقع استفاده بر روی کار، باید آن را با نفت رقیق کرد.

امروزه به جای روغن کمان از روغن جلاهای موجود در بازار که در رنگهای متفاوت یافت می‌شوند نیز، می‌توان بهره گرفت.

طرح‌های به کار رفته در جلدهای روغنی که برای قرآن ساخته و پرداخته می‌شدند، اکثراً گل و بوته‌اند (به ندرت گل و مرغ نیز در بین آثار به چشم می‌خورد). گل و بوته‌ها، با ترکیب‌بندی‌هایی متفاوت و سازگار با ذوق هنرمند و شان صحف آسمانی، بر روی اجلا جای می‌گرفتند. این ترکیب‌بندی‌ها، اکثراً از گل‌های متفاوتی همچون گل سرخ، بوداغ، نسترن، میخک، جعفری، نرگس، قرنفل، لاله، شکوفه‌های به و سیب، سنبل، آرتیشو و گل‌های وحشی نشات می‌گیرند که در نظر کلی نمایانگر خود گل هستند، ولی در جزئیات با ذوق و سلیقه و تخیل هنرمند گره خورده و از طبیعت محض جدا می‌شوند. گل سرخ در ترکیب‌بندی گل و بوته، نماد معشوق است که همان مقام الوهیت خداوندی است و گل‌های دیگر، از نظر مقامی پایین‌ترند و به دور گل اصلی در چرخشند. ترکیب‌بندی‌های اسپیرالی و چرخشی، همان‌گونه که در نگارگری کاربرد فراوانی دارند، در گل و مرغ نیز، به



پودر براق و ففور به چشم می‌خورند. گاهی حشراتی مانند زنبور و پروانه، لایه‌لای گل‌ها، برای بالانس کردن فضای مثبت و منفی مشاهده می‌شوند که این، هنرمندی نقاش اثر را به وضوح به ما یادآوری می‌کند؛ هنرمند بی‌ادعایی که با گردش رنگ‌ها در گل‌های متفاوت و پراکنده‌سازی گل‌ها در زمینه اثر، به نوعی سواد و بیاضی کاملاً متعادل و در عین حال نامتقارن را ایجاد کرده و شاهکاری جاودانه را خلق کرده است؛ هنرمندی که پردازش هر گل و برگ را با پیاد محبوب خود و از سر معرفت، با وضویی که جان و روحش را تازه کرده و بر سر سجاده عشق، قلم زده؛ که دروازه‌ای است به سوی بهشت ماورایی.

در ادامه به برخی از جلد‌هایی که گه‌گاه مورد استفاده مجلدان و به ندرت مورد تزئین قرآن قرار گرفته‌اند، اشاره می‌شود.

منابع :

- ۱) ایرج افشار- صحافی سنتی (تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، ۱۳۵۷)
- ۲) نجیب مایل هروی - لغات و اصطلاحات فن کتاب‌سازی (مشهد: بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۳)
- ۳) محمد تقی احسانی - جلد‌ها و قلمدان‌های ایرانی (تهران: انتشارات امیر کبیر- ۱۳۸۲)
- ۴) قاضی احمد قمی - گلستان هنر (تهران: انتشارات منوچهری- ۱۳۸۳)
- ۵) جهان اینانلو- مهران صدرالسادات- گل و بوته در هنر اسلامی (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷)
- ۶) اردشیر مجرد تاکستانی، راهنمایی نقاشی و کتاب‌آرایی در ایران (قم: آستان مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها)- ۱۳۷۲).



### جلدهای پارچه‌ای

جلدهایی از جنس پارچه‌هایی مانند قلمکار، چیت و زری که بر روی مقوا یا چوبی نازک کشیده می‌شوند، در دوره صفویان به وفور می‌بینیم. در قرن سیزدهم هجری قمری، جلد‌های مخمل و از زمان زندیه و قاجاریه، جلد‌های ترمه رواج گرفت.

### جلد صدفی

در این جلد‌ها، صدف بر روی جلد نصب می‌شده و روی آن را با گل و بوته پر می‌کردند.

### جلد دودی

جلد‌های دودی، از دود دادن به بومی که بر روی آن ورق طلا کشیده شده، به وجود می‌آیند. جلد‌های متفاوت و متنوع دیگری از جمله ابری، زرک، سفیدآب، نخودی، قیامت، مشکی، شورو، بلغار از زمره جلد‌هایی هستند که به ندرت مورد توجه مجلدان قرار می‌گرفته‌اند.

### جلد مرغش

مرغش یا مرقشیشا، به معنی "سنگ سخت سولفور طبیعی سفید رنگ آهن" است. برای استفاده از این سنگ، باید قطعاتی از آن را در هاون کوبید و قبل از ساییده شدن آن، تا جایی که مقذور است، ذرات براق و درخشان را از قطعات سفید و کدر، جدا کرد و بعد از ساییدن کامل، چندین بار مورد شستشو قرار داد تا مواد کدر کننده آن شسته شده و